

## ادراک از سبک‌های والدگری و مؤلفه‌های شکوفایی در پیش‌بزرگسالی: نقش واسطه‌ای راهبردهای مدیریت زندگی Perception of Parenting Styles and Thriving in Emerging Adulthood: The Mediating Role of Life-management strategies

Reyhane Eskandari, PhD student

Elahe Hejazi, PhD<sup>✉</sup>

Zahra Naghsh, PhD

ریحانه اسکندری<sup>۱</sup>

الهه حجازی<sup>۲</sup>

زهرا نقش<sup>۱</sup>

### Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between perception of parenting styles and components of thriving with mediating role of life management strategies among emerging adulthood. A total of 487 Universities students 18-29 years old emerging adults responding a survey included the Inventory of the questionnaire of perceived parenting practices (Grolnick et al., 1997), Life-management strategies questionnaire (Geldhof et al., 2015) and Positive Youth Development Inventory (Arnold et al., 2012). Data were analyzed with structural equation model method and the results show the Perception of Parenting styles and Life-management strategies have positive significance effect on thriving. Furthermore, the indirect effect of Perception of Parenting styles via mediating role of life management strategies on thriving is significant. As results indicated the model of Perception of mother predict 40% variation of thriving and the model of Perception of father 45% variation of thriving. In general, our findings suggest that Perception of Parenting styles alongside individual variable can effect on thriving in emerging adulthood.

**Keywords:** Emerging adulthood, Perception of Parenting styles, Life-management strategies, Positive Youth Development, Thriving

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای راهبردهای مدیریت زندگی در رابطه بین ادراک سبک‌های والدگری و مؤلفه‌های شکوفایی در دانشجویان پیش‌بزرگسال انجام شد. نمونه‌ای به حجم ۴۸۷ دانشجوی ۱۸-۲۹ ساله به روش داوطلبانه؛ به پرسشنامه ادراک از سبک‌های والدگری (۱۹۹۷)، مقیاس راهبردهای مدیریت زندگی (۲۰۱۵) و سیاهه تحول مثبت جوانی (۲۰۱۲) به صورت برخط پاسخ دادند. داده‌ها با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند و نتایج نشان داد ادراک از سبک‌های والدگری و راهبردهای مدیریت زندگی بر مؤلفه‌های شکوفایی در پیش‌بزرگسالی اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین اثر غیرمستقیم ادراک از سبک‌های والدگری با واسطه راهبردهای مدیریت زندگی بر شکوفایی معنادار است. نتایج همچنین نشان داد مدل ادراک از سبک والدگری مادر ۴۰ درصد و مدل ادراک از سبک والدگری پدر ۴۵ درصد واریانس شکوفایی را تبیین می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت که ادراک از سبک‌های والدگری والدین می‌تواند به همراه متغیر فردی راهبردهای مدیریت زندگی بر شکوفایی دوران پیش‌بزرگسالی تاثیر داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** پیش‌بزرگسالی، ادراک از سبک‌های والدگری، راهبردهای مدیریت زندگی، تحول مثبت جوانی، شکوفایی

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۴ تصویب نهایی: ۱۴۰۲/۲/۶

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران. (نویسنده مسئول)

## ● مقدمه

تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای توسعه یافته از اواخر قرن بیستم به این سو منجر به ظهور مرحله تحولی جدیدی به نام پیش‌بزرگسالی (emerging adulthood) شده است که با خصوصیات و چالش‌های تحولی متمایزی نسبت به نوجوانی مشخص می‌شود. آرنت (۲۰۰۰)، برای نخستین بار این دوره تحولی جدید که در بین نوجوانی و بزرگسالی قرار دارد و از حدود ۲۰ سالگی شروع می‌شود و تقریباً در نزدیکی ۳۰ سالگی خاتمه می‌یابد را ارائه داد. او به طور خاص بر بازه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال متمرکز شده و دوره‌ای جدید به نام «پیش‌بزرگسالی» با ویژگی‌های خاص را تعریف می‌کند. پیش‌بزرگسالی با تغییرات عمده در حوزه‌های شناختی، هیجانی، جسمانی و اجتماعی مشخص می‌شود. این تغییرات هم در فرد و هم در بافت او روی می‌دهد و در نهایت در طول این دوره مسیر تحولی افراد در خلال تعاملات پیوسته، پویا و متقابل با محیط رقم می‌خورد (آرنت، ۲۰۰۰). پیش‌بزرگسالی بازتابنده فرصت‌های متنوع در حوزه‌های گسترده‌ای از زندگی است. جوانان در این دوره گزینه‌های متنوعی پیش روی خود دارند که انتخاب هر کدام از آنها می‌تواند مسیر زندگی‌شان را دگرگون کند. این فرصت منحصر به فرد در دوره پیش‌بزرگسالی می‌تواند مثبت تلقی شود و به شکوفایی جوان کمک کند و از زاویه‌ای دیگر می‌تواند موجب آشفتگی و سردرگمی جوان شود (تاگلیابو، ۲۰۱۶). سوالی که مطرح می‌شود این‌که چرا شکوفایی (thriving) اهمیت دارد و چه عواملی (فردی و بافتی) بر شکوفایی پیش‌بزرگسالان تأثیر دارد که می‌تواند گذار موفق به بزرگسالی را تسهیل کند.

در سال‌های اخیر مطالعات تحول مثبت جوانی با تأکید بر قدرت ویژه جوانی و دیدگاه مثبت به گذار موفق از نوجوانی به بزرگسالی گسترش یافته است. دیدگاه تحول مثبت جوانی (positive youth development: PYD) بر قدرت ویژه دوران جوانی، ویژگی‌های مثبت و نتایج مطلوب تحول جوانی تکیه می‌کند (شک و همکاران، ۲۰۱۹). در این رویکرد، شکوفایی به معنای پرورش خصوصیتی است که نشانگر یک جوان سالم و رشدیافته است. طبق این دیدگاه تمامی جوانان با بهره‌گیری از سرمایه‌های تحولی طی سال‌های نوجوانی ظرفیت شکوفایی را دارند (لرنر و همکاران، ۲۰۱۰). تحول مثبت جوانی به‌عنوان نماد شکوفایی به صورت‌های متفاوت مفهوم‌سازی شده است (لرنر و همکاران، ۲۰۱۱). یکی از این الگوها توسط لرنر (۲۰۰۴)، مطرح شده است. در این مدل ۵ مؤلفه برای توصیف ویژگی‌های یک جوان رشدیافته معرفی شده است که عبارتند از شایستگی، اعتماد، ارتباط، مراقبت و منش. این ویژگی‌ها نوجوانان را قادر می‌سازد که به صورت مطلوب به دنیای بزرگسالی گام بگذارند (سروراکبیر و ویوم، ۲۰۲۱).

فرض کلیدی رویکرد تحول مثبت جوانی بر قدرت ویژه تغییرپذیری (plasticity) جوان استوار است. تمامی جوانان از ظرفیت تغییر برخوردار هستند و در صورتی که توانمندی‌های فردی نوجوان در راستای سرمایه‌های تحولی (developmental assets) بیرونی مثبت در بافت همچون خانواده، مدرسه و اجتماع همراه شود، تحول سمت و سوی مثبت پیدا می‌کند و شکوفایی جوان را در پی خواهد داشت (بنسون و همکاران؛ لوین-بیزان و همکاران، ۲۰۱۰). قدرت تغییرپذیری امکان بهره‌مندی از مهارت‌های خودتنظیمی ارادی که برای تنظیم‌های سازشی تحولی و مشارکت در بافت بدان نیاز است، فراهم می‌آورد. (گشتادوتیر و لرنر، ۲۰۰۹). فروند و بالتز (۲۰۰۲) بر اساس ویژگی تغییرپذیری الگوی راهبردهای مدیریت زندگی (یکی از الگوهای خودتنظیمی ارادی) را به‌عنوان یک عامل فردی مؤثر در تحول مثبت مطرح می‌سازند. دوره نوجوانی و اوایل بزرگسالی دوره‌ای از زندگی است که طرح‌ریزی و هدف‌گزینی برای آینده در آن افزایش می‌یابد. آنچه در این میان باید مورد توجه قرار گیرد این است که جوان برای رسیدن به این اهداف و ورود به دنیای بزرگسالی چگونه عمل نماید. خودتنظیمی ارادی (intentional self-regulation) یکی از فرآیندهای تحولی است که نقش اساسی در هدف‌گزینی، طرح و انتخاب اعمال و رفتارهای لازم جهت نیل به اهداف و نیز استفاده از راهبردهای سازگارانه و جبرانی در برخورد با موانع و چالش‌های زندگی دارد (فروند و همکاران، ۲۰۱۸).

بالتز و بالتز (۱۹۶۰) الگوی تحول سازشی انتخاب، بهینه‌سازی و جبران را جهت فهم چگونگی مدیریت زندگی در تحول فردی و بهزیستی ارائه کردند. راهبردهای مدیریت زندگی (life management strategies) بیانگر دیدگاهی پیرامون تحول انسان است که در آن افراد در تمامی مراحل تحولی از طریق فرآیندهای تنظیمی تحولی زندگی‌شان را مدیریت می‌کنند. سه فرآیند تنظیم تحولی عبارتند از: انتخاب (selection)، بهینه‌سازی (optimization) و جبران (compensation) (گشتادوتیر و همکاران، ۲۰۰۹). انتخاب اهداف و

بهبودسازی منابع در جهت تحقق اهداف و جبران کارآمد به هنگامی که اهداف با موانعی مواجه می‌شوند با عنوان رفتارهای خود تنظیمی ارادی شناخته می‌شوند. اینها ویژگی‌هایی هستند که جوان جهت استفاده حداکثری از منابع محیطی بدان نیازمند هستند. مهارت‌های SOC مجموعه‌ای از صفات شناختی، هیجانی و رفتاری را فراهم می‌آورند که فرد در ارتباط موثر و دوجانبه با بافت آنها را به کار می‌گیرد (فروند و بالتز، ۲۰۰۲). به تازگی مطالعات صورت گرفته حاکی از نقش فرآیندهای SOC در تحول سازش یافته در دوره جوانی است (گشتادوتیر و همکاران، ۲۰۱۷؛ زیمرمن و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به این یافته این سؤال مطرح است که آیا راهبردهای مدیریت زندگی می‌تواند بر شکوفایی در دوره پیش‌بزرگسالی تاثیر داشته باشد و عوامل بافتی موثر بر خودتنظیمی کدامند؟

خود تنظیمی همچون سایر ویژگی‌ها و عملکردهای فردی در بافت اجتماعی توسط والدین، همسالان و جامعه بزرگ‌تر تقویت و توسعه می‌یابد (برنداشارتاد ۲۰۰۶؛ رافائلی و همکاران، ۲۰۰۵). الگوی تحول مثبت جوانی بر اهمیت بافت خانواده و ارتباط والد-فرزند تأکید زیادی دارد (لوین-بیزان و همکاران، ۲۰۱۰). خانواده به‌عنوان یکی از مهمترین بافت‌های تحولی شناخته می‌شود. عوامل گوناگون خانوادگی هر کدام به شیوه و میزان متفاوتی تحول افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحول کودک به‌شدت تحت تأثیر روابط با والدین قرار دارد (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳) در زمینه شیوه‌های فرزندپروری دیدگاه‌های نظری متفاوتی وجود دارد از جمله؛ بامریند، ۱۹۹۷؛ شفر، ۱۹۹۳؛ دسی و ریان، ۱۹۹۵، که هر یک ابعاد متفاوتی از فرزندپروری را مورد توجه قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر مدل دسی و ریان (۱۹۸۵) که بر مبنای نظریه خودتعیین‌گری است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه خودتعیین‌گری (self-determination theory) فرض‌های مثبتی درباره انسان دارد مطابق این رویکرد انسان‌ها به طور فطری تمایل، توانایی برای یادگیری، پیشرفت، درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی و ارتباط با دیگران را دارند و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند تسهیل‌کننده یا بازدارنده این توانایی و تمایل باشد (حجازی، ۱۳۹۶). تمایل به انگیزش درون‌زاد در گرو ارضای سه نیاز بنیادین روان‌شناختی، خودمختاری، شایستگی و ارتباط است (گروولنیک و همکاران، ۱۹۹۷). بر اساس نظریه خودتعیین‌گری نیازهای بنیادین روان‌شناختی فطری هستند؛ اما ارضای آنها به وضعیتی وابسته است که فرد در آن قرار دارد. این بافت‌ها می‌توانند شامل خانواده، مدرسه و روابط بین‌فردی باشند (حجازی، ۱۳۹۶).

در رویکرد خود تعیین‌گری سبک‌های والدینی سه بعد اساسی دارد: حمایت از خودمختاری در مقابل کنترل، مشارکت و ساختار. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بازخورد والدین درباره سبک فرزندپروری با دیدگاه کودکان در مورد رابطه با والدین و ادراک متفاوت است (گروولنیک و همکاران، ۱۹۹۷) و ادراک آنها از این رابطه اهمیت فراوانی دارد (دارلینگ و استنبرگ ۱۹۹۳). گروولنیک و همکاران (۱۹۹۷)، با تأکید بر این موضوع، والدگری ادراک شده را ادراک کودک از جنبه‌های میزان درگیری، گرمی و حمایت والدین از استقلال عمل فرزندان تعریف می‌کنند. ابعاد حمایت از خودمختاری، مشارکت و ساختار می‌توانند به کودکان و نوجوانان در تنظیم‌گری رفتار خود، داشتن احساس عاملیت، احساس تسلط بر تکالیف و انگیزش خودپیرو کمک کند (مرزیه و همکاران، ۱۳۹۲). پیش‌بزرگسالی دوره تحولی حیاتی برای افزایش خودمختاری، اکتشاف هویت، روابط صمیمی و انتقال از مدرسه به دانشگاه و جستجوی حرفه است (آرنت، ۲۰۰۶) بنابراین حمایت از خودمختاری جوانان در این دوره و توجه به ارضای نیازهای بنیادین آنان حائز اهمیت است. در دوره تحولی پیش‌بزرگسالی روابط فرزندان با والدین دستخوش تغییراتی می‌شود چرا که از یک سو جوانان در جستجوی هویتی مستقل هستند (آرنت، ۲۰۱۴) و از سوی دیگر به حمایت و روابط مثبت والدین خود نیازمند هستند. از این رو توجه ویژه به والدگری در دوران پیش‌بزرگسالی ضروری به نظر می‌رسد. مطالعاتی به‌طور ویژه روابط والد-فرزند را در دانشجویان کالج مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند مویلانین و لین مانوئل (۲۰۱۷) که در پژوهش خود کیفیت رابطه با والد در پیش‌بزرگسالی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از ارتباط پذیرش بالا و کنترل روان‌شناختی پایین والدین با سطوح بالاتر خودتنظیمی و شایستگی اجتماعی است. با این حال هنوز درک ما از چگونگی اثرگذاری والدین بر شکوفایی پیش‌بزرگسالان ناقص است و در زمینه نقش والدین در رشد مهارت‌های خودتنظیمی و اثر غیرمستقیم آن در شکوفایی پیش‌بزرگسالان تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

تا اکنون پژوهش‌ها در زمینه تحول مثبت بر دوره نوجوانی متمرکز بوده‌اند و کمتر پژوهشی شکوفایی جوانان را در دوره پیش‌بزرگسالی و در ارتباط با چالش‌های خاصی که افراد پس از اتمام مقطع متوسطه، ادامه تحصیل در دانشگاه و تلاش جهت انتقال به فضای اشتغال و استقلال با آن مواجه هستند و استفاده از راهبردهای مدیریت زندگی برای مواجهه با تغییرات بافتی ایجاد شده؛ مورد

مطالعه قرار داده است. اما تحولات فرهنگی و اجتماعی جوامع و ظهور دوره تحولی جدیدی به نام پیش‌بزرگسالی (حجازی و همکاران، ۱۳۹۸)، بیانگر لزوم توجه و بررسی عوامل مرتبط با شکوفایی در این دوره تحولی است.



شکل ۱. نمودار الگوی مفهومی شکوفایی در پیش‌بزرگسالی

با توجه به یافته‌های ارائه شده و در چارچوب رویکرد تحول مثبت جوانی، پیش‌بینی می‌شود که سبک‌های والدگری با واسطه راهبردهای مدیریت زندگی بر شکوفایی در دوره پیش‌بزرگسالی تأثیر داشته باشد.

## • روش

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع معادلات ساختاری و هدف آن بررسی ارتباط میان متغیرها با استفاده از داده‌های همبستگی در قالب یک مدل علی بود. در این مدل ادراک از سبک‌های والدگری متغیر برون‌زا و راهبردهای مدیریت زندگی و مؤلفه‌های شکوفایی به‌عنوان متغیرهای درون‌زا در نظر گرفته شدند. جامعه آماری پژوهش را تمامی جوانان بین سن ۱۸ تا ۲۹ سال که در یکی از دانشگاه‌های شهر تهران تحصیل کرده‌اند و در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در حال تحصیل بودند، تشکیل داد. تمامی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران اعم از دولتی و غیردولتی در بازه سنی مذکور قرار می‌گرفتند، شامل جامعه آماری پژوهش بودند. با توجه به شیوع ویروس کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها، نمونه‌گیری به روش در دسترس و از طریق اجرای برخط پرسشنامه انجام شد. ۴۹۸ نفر داوطلبانه پرسشنامه برخط را تکمیل و ارسال کردند که از این میان ۱۱ نفر به دلیل قرار نگرفتن در بازه سنی مورد نظر از تحلیل کنار گذاشته شدند و در نهایت داده‌های ۴۸۷ نفر (۳۲۶ زن و ۱۶۱ مرد) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

## • ابزار

**الف) پرسشنامه ادراک از سبک‌های والدگری (perception of parenting styles questionnaire- PPSQ):** این پرسشنامه دارای دو نسخه کودکان و دانشجویان کالج است که در پژوهش حاضر از نسخه دوم که مناسب سنین پیش‌بزرگسالی طراحی شده است، استفاده شد. این مقیاس دارای ۴۲ ماده (۲۱ ماده برای مادر و ۲۱ ماده برای پدر) است که سؤال‌ها در دو نیمه برای پدر و مادر تکرار شده‌اند. این پرسشنامه بر اساس پیوستار لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً موافق (۷) تا کاملاً مخالف (۱) طراحی شده است و ساختار عاملی آن بر اساس نظر سازندگان مؤلفه‌های مشارکت، حمایت از خودمختاری و گرمی را برای هر یک از والدین در بر دارد که در مجموع ۶ عامل را تشکیل می‌دهند. مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر به ترتیب: برای خرده مقیاس مشارکت مادر ۰/۸۰، حمایت از خودمختاری مادر ۰/۸۵، گرمی مادر ۰/۸۲، مشارکت پدر ۰/۸۵، حمایت از خودمختاری پدر ۰/۸۵ و گرمی پدر ۰/۸۶ و برای کل ابزار ۰/۹۴ به دست آمده است. در پژوهش حاضر به منظور تأیید عامل‌های مورد سنجش ابزار ادراک از سبک‌های والدگری و روایی ابزار تحلیل عاملی تأییدی به وسیله نرم افزار AMOS 24 انجام گرفت که نتایج آن نشان‌دهنده برازش قابل قبول داده‌ها بود (۰/۰۹ = RMSEA، ۰/۶۶ = GFI، ۰/۷۳ = CFI).

**ب) مقیاس راهبردهای مدیریت زندگی (life management strategies scale- LMSS):** این مقیاس راهبردهای مدیریت زندگی، دارای ۱۸ ماده و سه عامل انتخاب، بهینه‌سازی و جبران است که هر کدام از خرده مقیاس‌ها دارای ۶ ماده است. این مقیاس در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (اصلاً شبیه من نیست) تا ۵ (خیلی شبیه من است) نمره‌گذاری می‌شود. در ایران بخشایشی (۱۳۹۵) در پژوهش خود ضرایب آلفای ۰/۸۵ برای کل ابزار و برای خرده مقیاس‌های انتخاب، بهینه‌سازی و جبران به ترتیب: ضرایب ۰/۸۰، ۰/۸۵ و ۰/۸۰.

و ۰/۷۵ را گزارش کرده است. در پژوهش حاضر برای خرده مقیاس انتخاب، بهینه‌سازی و جبران به ترتیب: ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۵، ۰/۷۴ و ۰/۶۷ و برای کل مقیاس نیز ضریب آلفای ۰/۸۶ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان‌دهنده برازش مطلوب داده‌ها بود (RMSEA=۰/۰۷۵، GFI=۰/۹۰، CFI=۰/۸۹).

**ج) سیاهه تحول مثبت جوانی (positive youth development inventory- PYDI):** این سیاهه دارای ۵۵ ماده و ۶ خرده مقیاس است که بر مبنای الگوی تحول مثبت جوانی (لرنر و همکاران، ۲۰۰۵) تدوین شده است. شایستگی، مراقبت، اعتماد، منش، ارتباط و مشارکت ۶ خرده مقیاس این ابزار را تشکیل می‌دهند. ماده‌ها به صورت طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۴) نمره‌گذاری می‌شود. سازندگان ابزار، ضرایب اعتبار ۰/۸۶ تا ۰/۹۲ را برای خرده مقیاس‌ها و برای کل سیاهه آلفای ۰/۹۲ را گزارش کرده‌اند. برای تهیه نسخه فارسی ابزار تحول مثبت جوانی بعد از ترجمه به زبان فارسی، نسخه اولیه توسط فرد مسلط به زبان انگلیسی با متن اصلی تطبیق داده شد و مورد بازنگری قرار گرفت. در پژوهش حاضر برای خرده مقیاس‌های مراقبت، اعتماد، منش، ارتباط، مشارکت و شایستگی به ترتیب: ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۷، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۸۱، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ و ضریب اعتبار کل مقیاس نیز ۰/۹۳ به دست آمد.

برای شناسایی عوامل اندازه‌گیری این سازه در میان پیش‌بزرگسالان از تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس استفاده شد. به این منظور ابتدا آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO)، برای حصول اطمینان از کفایت حجم نمونه محاسبه شد. آزمون بارتلت جهت مناسب بودن همبستگی داده‌های گردآوری شده، مورد استفاده قرار گرفت. آماره KMO برابر با ۰/۹۰۲ و بارتلت برابر با ۱۲۰۷۰/۹۲۴ نشانگر توجیه‌پذیری اجرای تحلیل عاملی اکتشافی و قابلیت اطمینان ساختار عاملی به دست آمده است. در مجموع ۶ عامل مراقبت، اعتماد، منش، ارتباط، مشارکت و شایستگی ۶۶/۸۷ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کنند. ۶ ماده (۲، ۴، ۱۱، ۱۷، ۴۱، ۵۱) به دلیل قرار نگرفتن در ۶ عامل مذکور و یا بار عاملی کمتر از ۰/۳ حذف شدند سپس تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار Amos انجام گرفت که نتایج آن برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد (RMSEA = ۰/۰۷، GFI = ۰/۷۱، CFI = ۰/۶۸).

## • یافته‌ها

ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرها جهت بررسی پراکندگی مناسب و بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها شاخص کجی و کشیدگی مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۱ آمده است. از آنجا که مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی، ماتریس همبستگی است، بنابراین ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

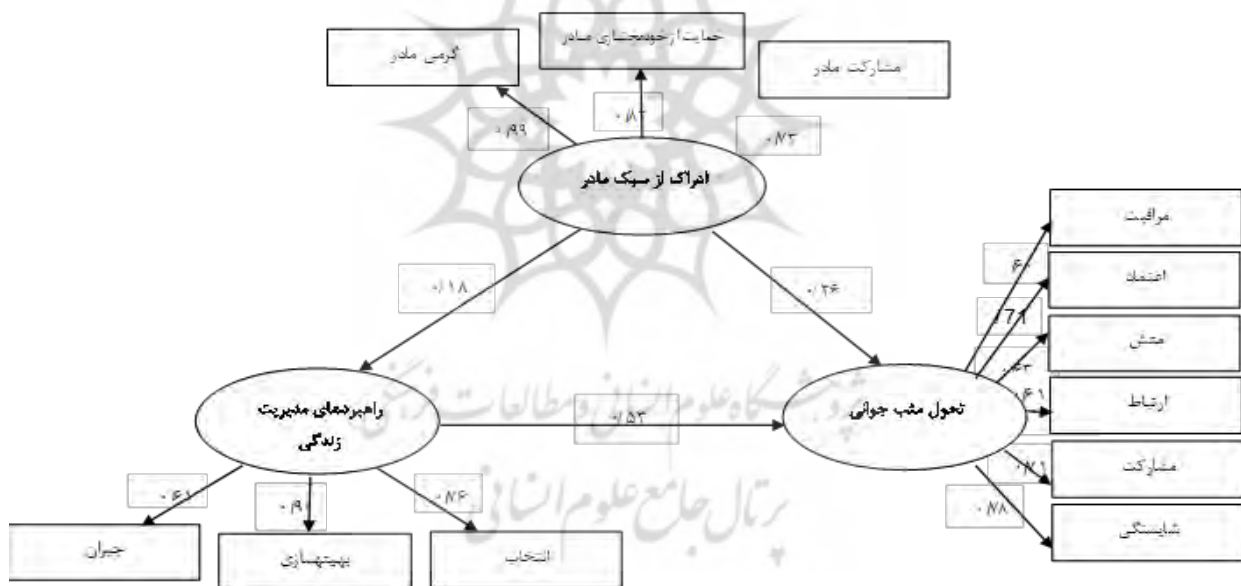
متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
شایستگی	۳/۰۰	۰/۴۴	-۰/۳۷	۰/۷۱
مشارکت	۳/۰۲	۰/۵۰	-۰/۲۵	۰/۸۱
ارتباط	۲/۷۶	۰/۵۸	-۰/۰۲	-۰/۰۵
منش	۳/۴۰	۰/۴۱	-۰/۸۶	۲/۵۳
اعتماد	۲/۹۶	۰/۴۶	-۰/۲۷	۰/۶۵
مراقبت	۳/۱۹	۰/۴۸	-۰/۳۶	۰/۷۸
جبران	۳/۴۳	۰/۷۵	-۰/۳۱	۰/۱۲
بهینه‌سازی	۳/۴۳	۰/۸۴	-۰/۳۳	-۰/۳۴
انتخاب	۳/۴۶	۰/۷۹	-۰/۴۰	-۰/۳۷
گرمی پدر	۴/۹۰	۱/۳۹	-۰/۵۱	-۰/۳۸
حمایت از خودمختاری پدر	۴/۳۱	۱/۲۶	-۰/۵۰	-۰/۳۳
مشارکت پدر	۴/۰۷	۱/۴۱	-۰/۱۷	-۰/۵۹
گرمی مادر	۵/۲۹	۱/۱۹	-۰/۷۲	۰/۱۵
حمایت از خودمختاری مادر	۴/۵۹	۱/۱۷	-۰/۴۵	-۰/۲۰
مشارکت مادر	۴/۶۰	۱/۱۹	-۰/۳۹	-۰/۱۸



جدول ۲. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

نام مولفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱. مشارکت مادر															
۲. حمایت از خودمختاری مادر	۰/۶۰**														
۳. گرمی مادر	۰/۷۲**	۰/۸۱**													
۴. مشارکت پدر	۰/۴۲**	۰/۳۱**	۰/۳۲**												
۵. حمایت از خودمختاری پدر	۰/۳۵**	۰/۴۷**	۰/۴۲**	۰/۶۶**											
۶. گرمی پدر	۰/۴۲**	۰/۴۵**	۰/۵۳**	۰/۷۱**	۰/۸۳**										
۷. انتخاب	۰/۰۹۹*	۰/۱۱۷**	۰/۱۱۵**	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۷									
۸. بهینه‌سازی	۰/۰۹*	۰/۱۱۷**	۰/۱۱۵**	۰/۰۶۱	۰/۱۰*	۰/۰۹۴**	۰/۶۸**								
۹. جبران	۰/۰۹۵*	۰/۰۹۵*	۰/۰۸	۰/۰۹۷*	۰/۱۰*	۰/۱۰*	۰/۵۵**	۰/۴۴**							
۱۰. مراقبت	۰/۲۰**	۰/۰۹*	۰/۱۹**	۰/۱۴**	۰/۱۳**	۰/۲۱*	۰/۱۵**	۰/۱۶**	۰/۱۶**						
۱۱. اعتماد	۰/۱۳**	۰/۱۹**	۰/۲۱**	۰/۰۹۵*	۰/۱۳**	۰/۱۸**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۲۶**	۰/۴۰**					
۱۲. منش	۰/۱۳**	۰/۱۴**	۰/۱۹**	۰/۱۳**	۰/۰۸	۰/۱۱۷**	۰/۴۰**	۰/۴۳**	۰/۲۲**	۰/۴۳**	۰/۴۳**				
۱۳. ارتباط	۰/۱۸**	۰/۱۲**	۰/۱۶**	۰/۱۶**	۰/۱۴**	۰/۱۸**	۰/۱۳**	۰/۱۶**	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۵۱**	۰/۴۳**	۰/۳۴**		
۱۴. مشارکت	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۱۱*	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۰۷۹*	۰/۳۴**	۰/۴۲**	۰/۲۸**	۰/۴۴**	۰/۵۰**	۰/۴۴**	۰/۴۴**	۰/۴۴**	
۱۵. شایستگی	۰/۳۴**	۰/۴۱**	۰/۴۵**	۰/۳۱**	۰/۳۳**	۰/۴۰**	۰/۳۸**	۰/۴۱**	۰/۳۰**	۰/۴۲**	۰/۵۶**	۰/۴۴**	۰/۴۴**	۰/۴۴**	۰/۵۲**

( $p^{**} \leq 0.01, p^* \leq 0.05$ )



شکل ۲. مدل آزمون شده ادراک از سبک والدگری مادر

نتایج به دست آمده از شکل ۲ مربوط به مدل ادراک از سبک والدگری مادر نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی ۴۰ درصد واریانس مؤلفه‌های شکوفایی را تبیین می‌کند. نتایج نشان می‌دهد راهبردهای مدیریت زندگی بیشترین ضریب تأثیر را بر مؤلفه‌های شکوفایی دارد ( $\beta=0.53$ ). ضریب استاندارد ادراک از سبک والدگری مادر بر راهبردهای مدیریت زندگی برابر با ۰/۱۸ شده و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در جدول ۲ نتایج اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها بر مؤلفه‌های شکوفایی در مدل ادراک از مادر گزارش شده است.

جدول ۲. برآورد اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کل مدل ادراک از مادر

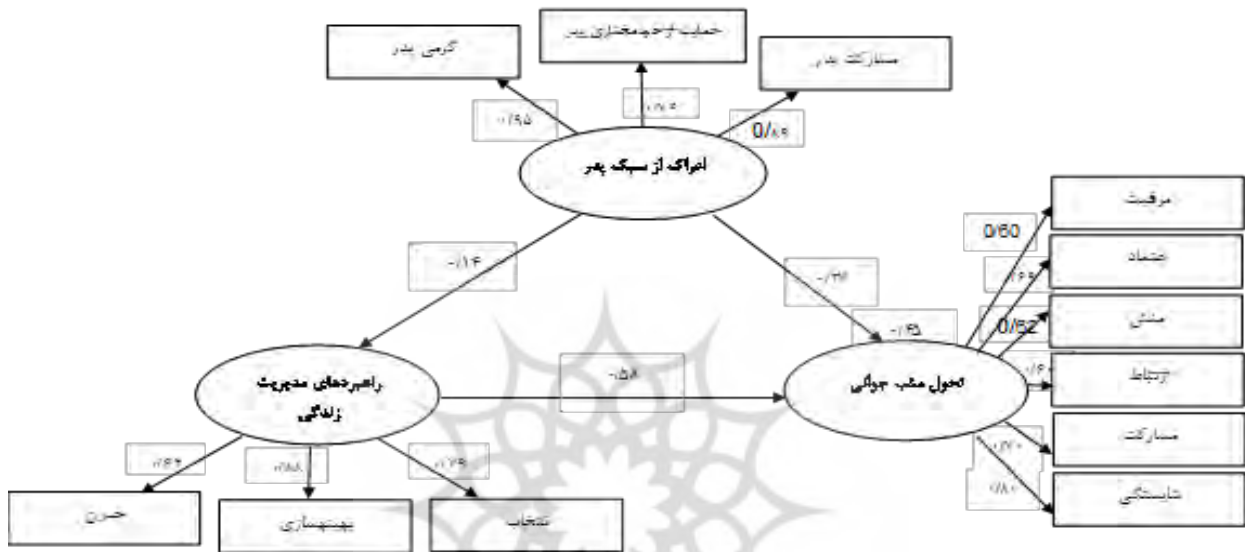
مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
بر مؤلفه‌های شکوفایی از ادراک از سبک مادر	۰/۳۶**	۰/۰۹۶**	۰/۳۵**	۴۰٪
راهبردهای مدیریت زندگی	۰/۵۳**	-	۰/۵۳**	

( $p^{**} \leq 0.01, p^* \leq 0.05$ )

در جدول ۳، شاخص‌های برازش مدل ادراک از سبک والدگری مادر گزارش شده است که همان طور که مشاهده می‌شود، نسبت  $\chi^2/df$  (۳) نزدیک شده است. شاخص ریشه میانگین مجزورات خطای تقریب نیز در حد مطلوب (۰/۰۸) قرار دارد. شاخص‌های  $GFI, AGFI, CFI$  و  $NFI$  به ترتیب برابر با ۰/۹۲، ۰/۸۷، ۰/۹۲ و ۰/۹۱ به دست آمد که همگی نشانگر برازش خوب مدل پیشنهادی پژوهش است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل ادراک مادر

NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	$\chi^2/df$
۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۰۸	۴/۸۸



شکل ۳. مدل آزمون شده ادراک از سبک والدگری پدر

نتایج به دست آمده از شکل ۳ مربوط به مدل ادراک از سبک والدگری پدر نشان می‌دهد ادراک از سبک والدگری پدر و راهبردهای مدیریت زندگی ۴۵ درصد واریانس کل مؤلفه‌های شکوفایی را تبیین می‌کنند. در رابطه با اثر مستقیم راهبردهای مدیریت زندگی بر مؤلفه‌های شکوفایی تفاوت اندکی میان دو مدل مادر و پدر مشاهده می‌شود، به طوری که در مدل ادراک از مادر ضریب استاندارد آن برابر با ۰/۵۳ و در مدل ادراک از پدر برابر با ۰/۵۵ است. ضریب استاندارد ادراک از سبک والدگری پدر بر راهبردهای مدیریت زندگی برابر با ۰/۱۲ که در سطح ۰/۰۵ معنادار است. همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود اثر غیرمستقیم ادراک از سبک والدگری پدر بر مؤلفه‌های شکوفایی برابر با  $\beta = 0/06$  شده است که این ضریب از مدل ادراک از مادر برابر با  $\beta = 0/09$ ، کوچکتر شده است. در رابطه با مقایسه نتایج دو مدل می‌توان به اثر کل ادراک از سبک والدگری اشاره کرد که بتای آن در مدل ادراک از مادر برابر با ۰/۳۵ و در مدل ادراک از پدر ۰/۳۱ شده است. همه ضرایب به استثنای اثر غیرمستقیم ادراک از پدر بر مؤلفه‌های شکوفایی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

جدول ۴. برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل مدل ادراک از پدر

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
بر مؤلفه‌های شکوفایی از ادراک از سبک پدر	۰/۲۵**	۰/۰۶*	۰/۳۱**	۴۵٪
راهبردهای مدیریت زندگی	۰/۵۵**	-	۰/۵۵**	

( $p^{**} \leq 0/01, p^* \leq 0/05$ )

در جدول ۵، شاخص‌های برازش مدل ادراک از سبک والدگری مادر گزارش شده است. شاخص  $RMSEA$  با میزان ۰/۰۸ از سطح قابل قبولی برخوردار است. شاخص‌های  $GFI, AGFI, CFI$  و  $NFI$  نیز به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۹، ۰/۹۳ و ۰/۹۲ همگی در سطح مطلوب قرار دارند. با توجه به مقادیر مطلوب ذکر شده، مقادیر به دست آمده برای شاخص‌های نیکویی برازش در جدول ۵ نشان می‌دهد داده‌های پژوهش حاضر با ساختار عاملی این مدل برازش مناسبی دارد.

## جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل آدارک پدر

NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	$\chi^2/df$
۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۹۳	۰/۰۸	۴/۳۶

## ● بحث

نتایج پژوهش نشان می‌دهد ادراک از سبک‌های والدگری بر مؤلفه‌های شکوفایی اثر معناداری دارد، این یافته بیانگر این است که پیش‌بزرگسالانی که ابعاد حمایت از خودمختاری، مشارکت و گرمی را از والدین خود ادراک کنند، به شایستگی‌های خود بهتر اعتماد می‌کنند و حس مراقبت بیشتری در خود پرورش می‌دهند. همچنین ادراک از سبک والدگری حامی خودمختاری و با درگیری و مشارکت بیشتر بر مهارت راهبردهای مدیریت زندگی پیش‌بزرگسالان اثر مثبت معناداری دارد. طبق نتایج به‌دست آمده بیشترین ضریب تأثیر بر مؤلفه‌های شکوفایی مربوط به متغیر راهبردهای مدیریت زندگی است.

نتایج نشان داد که نقش واسطه‌ای راهبردهای مدیریت زندگی در رابطه ادراک از سبک‌های والدگری و مؤلفه‌های شکوفایی در پیش‌بزرگسالی مثبت و معنادار است. این یافته با یافته‌های مطالعات ناپولیتانو و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. مطابق چارچوب مفهومی نظام‌های تحولی ارتباطی، تنظیم هیجان‌ات و رفتارهای فرزندان ارتباطی دوسویه با بافت خانوادگی دارد. کودکان از طریق الگوبرداری و مشاهده مستقیم، شیوه‌های والدگری (parenting practices) و فضای هیجانی موجود در خانواده راهبردهای انطباقی لازم جهت تنظیم هیجان‌ات و رفتاری‌های خود را می‌آموزند. بنابراین بافت خانواده می‌بایست راهبردهای انطباقی مؤثر را در فرزندان درونی سازد و دیگر اینکه کودکان نیاز دارند این راهبردها را در ابتدا به کمک حمایت والدین و بعدتر به تنهایی به کار گیرند و تمرین کنند (گرولنیک و فارکاس، ۲۰۰۲).

والدین به‌عنوان نخستین عوامل جامعه‌پذیرکردن کودکان نقش مهمی در تحول خودتنظیمی و درونی‌سازی راهبردهای انطباقی در فرزندان ایفا می‌کنند. در دوره نوجوانی و پس از آن فرآیند انگیزش و هدف‌گزینی بیشتر جنبه درونی و ارادی پیدا می‌کند و ارزش‌های اجتماعی تبدیل به ارزش‌های فردی می‌شود که در انگیزش، ارزش‌ها و رفتارهای جوان نمود پیدا می‌کند (ریان و دسی، ۲۰۰۰). کارکرد عمده خودتنظیمی جهت‌دهی رفتارهای فرد در پاسخ به شکست‌ها و موانع است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مادران گرم و حمایت‌گر تحول خودتنظیمی را در اوایل نوجوانی تسهیل می‌کنند و با کاهش اثرات منفی نوجوانی فرصت رشد و چیرگی بر راهبردهای خودتنظیمی را برای جوان فراهم می‌آورند (مویلانن و رمبو-هرناندز، ۲۰۱۷).

طبق نظریه خودتعیین‌گری، خودتنظیمی ارادی نیازمند هر سه بعد والدگری (حمایت از خودمختاری، ساختار و مشارکت) است. هنگامی که والدین به فرزندان خود علاقه و محبت نشان می‌دهند و در فعالیت‌های مورد علاقه آنان شرکت می‌کنند و از کوشش‌های مستقلانه آنها حمایت می‌کنند با ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی (ارتباط، شایستگی و حمایت از خودمختاری) بستر مناسبی برای تحول راهبردهای خودتنظیمی فرزندان در بافت خانواده ایجاد می‌شود. بوئرز و همکاران (۲۰۱۱) و مویلانن و رمبو-هرناندز (۲۰۱۷) در مطالعات خود نشان دادند جوانانی که پذیرش بیشتر و کنترل روان‌شناختی کمتری در محیط خانواده تجربه کرده‌اند، خودتنظیمی بالاتری دارند. جوانانی که در محیط خانواده فرصت آغازگری و حل مسئله پیدا کرده‌اند در پیش‌بزرگسالی در انتخاب اهداف و به‌کارگیری حداکثری منابع برای تحقق آن اهداف به شکل مؤثرتری عمل می‌کنند (مهدوی مزده و همکاران، ۱۳۹۷). بهره‌مندی مناسب از راهبردهای انتخاب، بهینه‌سازی و جبران تعامل کارآمد با محیط را تسهیل می‌کند. در همین زمینه یافته‌های پژوهش طولی ناپولیتانو و همکاران (۲۰۱۱)، بر دانش‌آموزان پایه نهم تا یازدهم دبیرستان نشان داد نمرات بالای هدف‌گزینی (راهبرد انتخاب) و نمرات بالای میانه متغیرهای والدگری (گرمی، نظارت و مشارکت) مهمترین پیش‌بین تحول مثبت جوانی است.

بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر اثر مستقیم و غیرمستقیم ادراک از سبک‌های والدگری بر شکوفایی پیش‌بزرگسالان معنادار است؛ با این حال طبق نتایج به‌دست آمده اثر مستقیم ادراک از والدگری بر شکوفایی بیشتر از اثر غیرمستقیم آن است. این یافته‌ها بیانگر نقش حیاتی والدین در تحول دوره پیش‌بزرگسالی است. حمایت والدین از خودمختاری فرزندان برای مواجهه با چالش‌های خاص این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار است. چرا که پیش‌بزرگسالان نیاز دارند به خود و اهداف‌شان اعتماد کنند و تفکر مستقلانه را در خود پرورش دهند. والدینی که تمایل کمتری به کنترل و امر و نهی به فرزندان خود دارند و حمایت عاطفی بیشتری برای آنان فراهم می‌آورند



زمینه رشد راهبردهای انطباقی لازم جهت کاوش گزینه‌های گوناگون در زمینه‌های تحصیلی، شغلی و روابط عاشقانه را ایجاد می‌کند تا جوان بتواند با اراده و آگاهی خود گام‌هایی مطمئن در مسیر زندگی بردارد. جوانانی که در خانواده قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، در عوض پیروی کورکورانه از دیگر همسالان و جریانات اجتماعی؛ با تکیه بر شایستگی‌ها و سرمایه‌های درونی و بیرونی خود اهدافی را تعیین و درصدد تحقق آن بر می‌آیند. چنین جوانانی می‌دانند که از زندگی خود چه می‌خواهند و تصور روشنی در ارتباط با حرفه و شریک زندگی آینده خود دارند. پیش‌بزرگسالانی که روابط گرم و صمیمی با والدین با خود دارند احساس خودارزشی و خودکارآمدی بالاتری نشان می‌دهند، تعاملات مثبت سودمندی با دیگران برقرار می‌سازند، عملکرد موفق‌تری در دانشگاه دارند و به آینده خوشبین‌تر هستند. این عوامل زمینه شکوفایی جوان را به ارمغان می‌آورد.

نتایج نشان داد اثر مستقیم ادراک پیش‌بزرگسالان از سبک‌های والدگری بر استفاده از راهبردهای مدیریت زندگی مثبت و معنادار است. راهبردهای مدیریت زندگی به‌عنوان یکی از الگوهای خودتنظیمی، فرایند هدف‌گزینی و پیگیری اهداف را در گستره حیات مورد بررسی قرار می‌دهد. مطابق نظریه خودتعیین‌گری عواملی که نیازهای بنیادین روان‌شناختی را تأمین کنند، می‌توانند به تحول و رشد خودتنظیمی منجر شوند. هنگامی که افراد به جای آنکه احساس کنند رفتارهای‌شان تحت کنترل عوامل بیرونی قرار دارد، احساس عامل‌بودن و خودمختاری پیدا کنند و احساس شایستگی و ارزشمندی‌شان مورد حمایت قرار گیرد، شکل‌گیری انگیزش درونی و خودتنظیمی خودمختار در آنها تسهیل می‌شود (گرونیچ و فارکاس، ۲۰۰۲). جوانان با انگیزش درونی بالا اهداف خود را متناسب با نیازها و ارزش‌های خود تنظیم می‌کنند و برای تحقق آن هدف به صورت درونی برانگیخته‌اند؛ پس تمام منابع خود را به کار می‌گیرند و در صورت ناکامی، ناامید نمی‌شوند و با استفاده از راه‌کارهای جایگزین به تلاش خود در راه پیگیری اهداف ادامه می‌دهند.

در این زمینه بیکر و هورگر (۲۰۱۲)، در مطالعات خود نشان دادند گرمی والدین با سه پیامد مهم در اوایل بزرگسالی مرتبط است: خودتنظیمی، سازگاری بین فردی و سازگاری تحصیلی. اگرچه فرایند چگونگی اثرگذاری والدگری بر سازگاری در اوایل بزرگسالی پیچیده است می‌توان گفت طرد و کنترل زیاد از حد به تحول ناقص خودتنظیمی و مهارت‌های مقابله‌ای منجر می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد راهبردهای مدیریت زندگی اثر مثبت و معناداری بر مؤلفه‌های شکوفایی در پیش‌بزرگسالی دارد. این یافته با یافته‌های مطالعات گشتادوتیر و لرنر (۲۰۰۸ و ۲۰۰۷)، گشتادوتیر و همکاران (۲۰۱۱)، زیمرمن و همکاران (۲۰۰۸)، مولر و همکاران (۲۰۱۱) و لرنر و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. از نظر گشتادوتیر و لرنر (۲۰۰۸)، تحول کامل راهبردهای مدیریت زندگی پیش از پیدایش تغییرات بافتی و فردی در دوره نوجوانی امکان‌پذیر نیست. به باور فروند و بالتز (۲۰۰۲) نیز شکل‌گیری تمام و کمال راهبردهای SOC تا بزرگسالی به طول می‌انجامد. از آن جایی که امروزه بسیاری از جوانان در شهرهای بزرگ از نوجوانی مستقیماً وارد مسئولیت‌ها و نقش‌های بزرگسالی نمی‌شوند و در وقفه‌ای که در میان پایان تحصیلات متوسطه تا اتمام تحصیلات دانشگاهی و احتمالاً ازدواج و جا افتادن در یک شغل نسبتاً پایدار رخ می‌دهد به آزمایش گزینه‌های شغلی، روابط رمانتیک و ارزش‌های متنوع می‌پردازند. از این رو نقش راهبردهای مدیریت زندگی در این دوره تحولی برجسته می‌گردد تا پیش‌بزرگسالان بتوانند با بهره‌گیری مؤثر از این راهبردها از فرصت‌ها و منابع محیطی کمال بهره را برده و چالش‌ها و موانع موجود را مدیریت کنند. استفاده از راهبردهای مدیریت زندگی با عملکرد موفق افراد در سنین مختلف در حوزه‌های عمومی و اختصاصی مرتبط است. برای مثال هانگ و کو (۲۰۱۹)، در مطالعه خود بر زنان سالمند کره‌ای نشان دادند راهبردهای SOC در رابطه حمایت اجتماعی و سالمندی موفق نقش واسطه‌ای معناداری دارد. راهبردهای مدیریت زندگی مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی، هیجانی و رفتاری را در فرد ایجاد می‌کند تا بتواند با بهره‌مندی از آنها در ارتباط ثمربخش متقابل با بافت مشارکت کند (مولر و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر وجود مهارت‌های SOC در جوانان نه تنها در دستیابی به اهداف شخصی که در حفظ بهزیستی و شکوفایی آنان از نقش ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند همچون یک سرمایه درونی از تحول مثبت جوانی حمایت کند (لرنر و همکاران، ۲۰۱۲). نقش SOC به ویژه در فرایند انتقال از نوجوانی به بزرگسالی حائز اهمیت است. جوان با به کارگیری راهبردهای مدیریت زندگی می‌تواند سرمایه‌های تحولی خود را در مسیر مثبتی هدایت کند و با تنظیم اهداف مناسب و بهره‌مندی از توانمندی‌ها و منابع محیطی خود، تحصیلات و پیش‌نیازهای لازم برای حرفه آینده‌اش را با موفقیت گذرانده و با تنظیم هیجانات و رفتارها از خطرات احتمالی چون روابط جنسی پرخطر، سوء مصرف مواد و... در امان بماند.

## • نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های پژوهش‌های انجام شده بر دامنه سنی و فرهنگی گسترده بر نقش ابعاد والدگری در خود تنظیمی و سازگاری کودکان و نوجوانان تأکید دارند. با این حال کمتر پژوهشی به بررسی اثرات والدگری در دوره تحولی پیش‌بزرگسالی پرداخته است. بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر اثر مستقیم و غیرمستقیم ادراک از سبک‌های والدگری بر شکوفایی پیش‌بزرگسالان معنادار است؛ با این حال طبق نتایج به دست آمده اثر مستقیم ادراک از والدگری بر شکوفایی بیشتر از اثر غیرمستقیم آن است. این یافته‌ها بیانگر نقش حیاتی والدین در تحول دوره پیش‌بزرگسالی است. حمایت والدین از خود مختاری فرزندان برای مواجهه با چالش‌های خاص این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار است. چرا که پیش‌بزرگسالان نیاز دارند به خود و اهدافشان اعتماد کنند و تفکر مستقلانه را در خود پرورش دهند. والدینی که تمایل کمتری به کنترل و امر و نهی به فرزندان خود دارند و حمایت عاطفی بیشتری برای آنان فراهم می‌آورند زمینه رشد راهبردهای انطباقی لازم جهت کاوش گزینه‌های گوناگون در زمینه‌های تحصیلی، شغلی و روابط عاشقانه را ایجاد می‌کنند تا جوان بتواند با اراده و آگاهی خود گام‌هایی مطمئن در مسیر زندگی بردارد. جوانانی که در خانواده قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، در عوض پیروی کورکورانه از دیگر همسالان و جریانات اجتماعی؛ با تکیه بر شایستگی‌ها و سرمایه‌های درونی و بیرونی خود اهدافی را تعیین و درصدد تحقق آن بر می‌آیند. چنین جوانانی می‌دانند که از زندگی خود چه می‌خواهند و تصور روشنی در ارتباط با حرفه و شریک زندگی آینده خود دارند. پیش‌بزرگسالانی که روابط گرم و صمیمی با والدین با خود دارند احساس خود ارزشی و خودکارآمدی بالاتری نشان می‌دهند، تعاملات مثبت سودمندی با دیگران برقرار می‌سازند، عملکرد موفق‌تری در دانشگاه دارند و به آینده خوش‌بین‌تر هستند. این عوامل زمینه شکوفایی جوان را به ارمغان می‌آورد.

جمع‌آوری داده‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس به دلیل همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ و تعطیلی سراسری دانشگاه‌ها از محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین نمونه مورد بررسی در این پژوهش دانشجویان شهر تهران بودند از این رو در تعمیم یافته‌ها به دیگر شهرها و دیگر پیش‌بزرگسالان باید احتیاط شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده دیگر عوامل اثرگذار بر شکوفایی دوره پیش‌بزرگسالی در سطوح فردی و بافتی مانند امیدواری به آینده و سرمایه‌های تحولی بیرونی (حمایت‌های اجتماعی و ...) مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. از آن جایی که پژوهش حاضر با هدف مطالعه ویژگی‌های تحولی و تحول مثبت انجام شده است؛ پیشنهاد می‌شود مسیرهای شکوفایی با استفاده از طرح‌های طولی نیز مورد بررسی قرار گیرد تا شناخت دقیق‌تری از چگونگی تحول مؤلفه‌های شکوفایی در گذر زمان کسب نماییم.

## • تعارض منافع

در پژوهش حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

## • قدردانی

از دانشجویان عزیزی که با مشارکت در پژوهش، ما را در انجام پژوهش حاضر یاری رساندند، کمال قدردانی را داریم.

## • منابع

- حجازی، الهه. ۱۳۹۶. روان‌شناسی تربیتی در هزاره سوم. موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- حجازی، الهه. سلیمانی، زهره. لاری، نرجس. (۱۳۹۸). پایان نوجوانی، آغاز بزرگسالی: شکل‌گیری مرحله تحولی ظهور بزرگسالی. نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۸(۷)، ۱۷۲-۱۶۳.
- مرزیه، افسانه. اژه‌ای، جواد. حجازی، الهه. قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۹۲). رابطه سبک تدریس ادراک شده، انگیزش خودمختار و خلاقیت: ارائه مدل خلاقیت بر اساس نظریه خودتعیین‌گری. فصلنامه روان‌شناسی، ۴، ۳۵۰-۳۶۴.
- مهدوی مزده، مامک؛ حجازی، الهه؛ نقش، زهرا. (۱۳۹۷) رابطه ادراک از سبک‌های والدینی با تاب‌آوری: نقش واسطه‌ای عاملیت انسانی. فصلنامه روان‌شناسی، ۸۷، ۳۲۶-۳۴۳.

Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American psychologist*, 55(5), 469-80.

- Arnett, J. J. (2006). Emerging adulthood: Understanding the new way of coming of age. In J. J. Arnett & J. L. Tanner (Eds.), *Emerging adults in America: Coming of age in the 21st century* (pp. 3–19). Washington, DC: American Psychological Association.
- Arnett, J. J. (2014). *Emerging adulthood: The winding road from the late teens through the twenties*. Oxford University Press.
- Baker, C. N., & Hoerger, M. (2012). Parental child-rearing strategies influence self-regulation, socio-emotional adjustment, and psychopathology in early adulthood: Evidence from a retrospective cohort study. *Personality and Individual Differences*, 52(7), 800-805.
- Barry, C. M., Padilla-Walker, L. M., Madsen, S. D., & Nelson, L. J. (2008). The impact of maternal relationship quality on emerging adults' prosocial tendencies: Indirect effects via regulation of prosocial values. *Journal of Youth and Adolescence*, 37(5), 581-591.
- Benson, P. L., Scales, P. C., and Syvertsen, A. K. (2011). The contribution of the developmental assets framework to positive youth development theory and practice. In R. M. Lerner, J. V. Lerner, and J. B. Benson (Eds.), *Advances in Child Development and Behavior: Positive youth Development Research and Applications for Promoting Thriving in Adolescence* (pp. 198-232). London, UK: Elsevier.
- Bowers, E. P., Gestsdóttir, S., Geldhof, G. J., Nikitin, J., von Eye, A., & Lerner, R. M. (2011). Developmental trajectories of intentional self-regulation in adolescence: The role of parenting and implications for positive and problematic outcomes among diverse youth. *Journal of adolescence*, 34(6), 1193-1206.
- Brandtstädter, J. (2006). Action perspectives on human development. In W. Damon & R.M. Lerner (Eds.), *Handbook of child psychology*. Vol. 1: Theoretical models of human development (6th ed., pp. 516–568). Hoboken: Wiley.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological bulletin*, 113(3), 487-496.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1995). Human autonomy. In *Efficacy, agency, and self-esteem* (pp. 31-49). Springer, Boston, MA.
- Freund, A. M., Napolitano, C. M., & Rutt, J. L. (2018). Personality development in adulthood: A goal perspective. In D. P. McAdams, R. L. Shiner, & J. L. Tackett (Eds.), *Handbook of personality development* (pp. 313–327). New York, NY: The Guilford Press.
- Freund, A. M. and P. B. Baltes (2002). "Life-management strategies of selection, optimization and compensation: Measurement by self-report and construct validity." *Journal of personality and social psychology* 82(4): 642-662.
- Freund, A. M. (2008). Successful aging as management of resources: The role of selection, optimization, and compensation. *Research in Human Development*, 5(2), 94-106.
- Gestsdóttir, S., Geldhof, G. J., Lerner, J. V., & Lerner, R. M. (2017). What drives positive youth development? Assessing intentional self-regulation as a central adolescent asset. *International Journal of Developmental Science*, 11(3), 1–11.
- Gestsdóttir, S., & Lerner, R. M. (2007). Intentional self-regulation and positive youth development in early adolescence: Findings from the 4-h study of positive youth development. *Developmental psychology*, 43(2), 508-521.
- Gestsdóttir, S., Lewin-Bizan, S., von Eye, A., Lerner, J. V., & Lerner, R. M. (2009). The structure and function of selection, optimization, and compensation in adolescence: theoretical and applied implications. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30(5), 585–600.
- Gestsdóttir, S., Urban, J. B., Bowers, E. P., Lerner, J. V., & Lerner, R. M. (2011). Intentional self-regulation, ecological assets, and thriving in adolescence: A developmental systems model. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 133, 61–76.
- Grolnick, W. S., Ryan, R. M. & Deci, E. L. (1997). Internalization in the family: The self-determination perspective. In J. E. Grusec and L. Kuczynski (Eds.) *Parenting and children's internalization of values*. NY: Wiley.
- Grolnick, W. S., & Farkas, M. (2002). Parenting and the development of children's self-regulation. *Handbook of parenting*, 5, 89-110.
- Lerner, R. M. (2005, September). Promoting positive youth development: Theoretical and empirical bases. In White paper prepared for the workshop on the science of adolescent health and development, national research council/institute of medicine. Washington, DC: *National Academies of Science*.
- Lerner, R. M., von Eye, A., Lerner, J. V., & Lewin-Bizan, S. (2009). Exploring the foundations and functions of adolescent thriving within the 4-H study of positive youth development: A view of the issues. *Journal of applied developmental psychology*.30(5), 567-570.
- Lerner, R. M., Lerner, J. V., Bowers, E. P., Lewin Bizan, S., Gestsdóttir, S., & Urban, J. B. (2011). Self regulation processes and thriving in childhood and adolescence: A view of the issues. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 133, 1-9.
- Lerner, R. M., Bowers, E. P., Geldhof, G. J., Gestsdóttir, S., & DeSouza, L. (2012). Promoting positive youth development in the face of contextual changes and challenges: The roles of individual strengths and ecological assets. *New directions for youth development*, 133, 119-128.
- Lerner, R. M., Lerner, J. V., P. Bowers, E., & John Geldhof, G. (2015). Positive youth development and relational developmental systems. In P. C. Molenaar & W. F. Overton and R. M. Lerner (Eds.) *Handbook of child psychology and developmental science*, (7th ed., pp. 607-644). Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons.
- Lewin-Bizan, S., Bowers, E. P., & Lerner, R. M. (2010). One good thing leads to another: Cascades of positive youth development among American adolescents. *Development and psychopathology*, 22(4), 759-770.
- Moilanen, K. L., & Manuel, M. L. (2017). Parenting, self-regulation and social competence with peers and romantic partners. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 49, 46-54.

- Moilanen, K. L., & Rambo-Hernandez, K. E. (2017). Effects of maternal parenting and mother-child relationship quality on short-term longitudinal change in self-regulation in early adolescence. *The Journal of Early Adolescence*, 37(5), 618-641.
- Mueller, M. K., et al. (2011). "Youth development program participation and intentional self-regulation skills: Contextual and individual bases of pathways to positive youth development." *Journal of adolescence* 34(6): 1115-1125.
- Napolitano, C. M., Bowers, E. P., Gestsdottir, S., Depping, M., von Eye, A., Chase, P., & Lerner, J. V. (2011). The role of parenting and goal selection in positive youth development: A person-centered approach. *Journal of adolescence*, 34(6), 1137-1149.
- Raffaelli, M., Crockett, L. J., & Shen, Y. L. (2005). Developmental stability and change in self-regulation from childhood to adolescence. *The Journal of Genetic Psychology*, 166(1), 54-76.
- Ryan, R. & Deci, E. I. (2000a). Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American psychologist*, 55, 68-78.
- Stormshak, E., DeGarmo, D., Chronister, K., & Caruthers, A. (2018). The impact of family-centered prevention on self-regulation and subsequent long-term risk in emerging adults. *Prevention Science*, 19(4), 549-558.
- Tagliabue, S., Crocetti, E., & Lanz, M. (2016). Emerging adulthood features and criteria for adulthood: Variable- and person-centered approaches. *Journal of Youth Studies*, 19(3), 374-388.
- Sarwar Kabir, Russell & Wiium, Nora (2021). Positive Youth Development and Environmental Concerns Among Youth and Emerging Adults in Ghana. In: Dimitrova, R., Wiium, N. (eds) *Handbook of Positive Youth Development: Advancing the Next Generation of Research, Policy and Practice in Global Contexts*. (pp. 81-94). Springer Series on Child and Family Studies. Springer, Cham.
- Shek, D. T., Dou, D., Zhu, X., & Chai, W. (2019). Positive youth development: Current perspectives. *Adolescent health, medicine and therapeutics*, 131-141.
- Zimmerman, S. M., Phelps, E., & Lerner, R. M. (2008). Positive and negative developmental trajectories in US adolescents: Where the positive youth development perspective meets the deficit model. *Research in Human Development*, 5(3), 153-165.

